



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۵/۰۲

صلاح الدین سعیدی

برداشت های من از مصاحبه خلیل زاد!

زلمی خلیل زاد نماینده خاص امریکا برای صلح افغانستان، اخیراً با خبرنگار طلوع نیوز در حضور عده از سیاسیون و جوانان مصاحبه تلویزیونی کرد.

ازین مصاحبه و لابلای سخن ها دیده میشود و فهمیده میشود که جناب شان پخته تر و با تجربه تر شده اند. پختگی شان در پیام صریح شان به طالب که یا موافقه در کل و یا رد کل. پختگی شان در افاده، ولو غیر واضح شان در مورد تفاوت مصالحه و مذاکره، وجور آمد سیاسی تا مصالحه ایدیولوژیکی است.

همه سیاسیون کشور و جهان باید بدانند که بر سر میز مذاکرات سیاسی مصالحه و جور آمد سیاسی مطرح و اساس بحث است و مصالحه ایدیولوژیکی با فهم طالب از برداشت دینی اش در موارد معینی در بحث مذاکره و مصالحه شامل نیست!

بگذار طالب هویت خود را داشته باشد اما باید یک چیز را قبول کند و آن متمدن ساختن مبارزه سیاسی. طالب باید راه رسیدن به قدرت سیاسی را رأی و انتخاب ملت در انتخابات آزاد و سراسری قبول کند. مغز بحث برای مذاکره همین است. بدون این توافق پیشبرد مذاکرات ناکام اند!

منطق کسب قدرت سیاسی در کنفرانس بُن و یا دوحه خطاء بود و خطاء است. نفس گیری برای جنگ بعدی است و به مردم افغانستان، مردم منطقه خوشبختی به بار نمی آورد.

از لابلای صحبت ها درین مصاحبه، اظهارات تفوق طلبانه طالب بعد از مذاکرات متعدد قطر_ دوحه و منطق سخن به صورت واضح فهمیده میشود که مذاکره و صلح با طالب به معنای ختم جنگ و پایان تراژیدی ما نیست. تلاش کسب سرباز کور و کر تاطالب علیه اهداف ایرانی، که دیگران قبل از همه بخاطر تحقق اهداف و مقاصد خود به ما رقم زده اند جداً باید و باید برای سیاسیون افغان اولویت داشته باشد تا مانع آن شد. مردم ما در سقوط کمونیزم قربانی های زیاد دادند و دیگر نباید قربانی بدهند.

این نوع مذاکره و با اهداف غیر افغانی است که تمام سیاسیون ما را باید دریک صف واحد با اولویت دادن منافع افغانی در مطابقت به منافع صلح و استقرار منطقه، متحد سازد. باید به این منطق خود را فهماند که این جنگ و خطر ترور و دهشت است که من را معتقد به ضرورت وجود عساکر دیگران در کشور ما و به نحوی به قبول داشتن زمام امور ما در افغانستان به دست دیگران، کرده است. این وضع را باید تغییر داد و طالب نباید عامل ادامه حضور عسکر اجانب در افغانستان شوند.

آنهایکه ضرورت وجود خویش را تحمیل میکنند، آنهایکه سرزمینهای افغانستان را تصاحب کرده و در داخل کشور ما با مجبور کردن امریکا و مصارف امریکار در داخل کشور ما سیم خاردار، سرحد به میل خود و دروازه به میل خود میسازند، چه چیزی عامل و دلیل شده میتواند که تغییر کنند تا صلح و استقرار را برای ما هدیه کنند؟ تعجب دارم که سیاسیون طراز اول چون خلیل زاد درین منطق و به این الفبای سیاست نه رسیده اند!

ازین مصاحبه جناب خلیل زاد به صورت صریح فهمیده میشود که تشکیل شرکت و حاکمیت قبل از انتخابات مطرح است و درین شرکت (سهامی!؟) باید بر علاوه طالب مانند مرکزیت، دیگران هم نقش و سهم داشته باشند. این برداشت طالبان هم طی مصاحبه های شان بعد از مذاکرات چند دوره ای قطر - دوحه نیز روشن و ضمنی بیان شده است. ایشان گفته اند که طالب دیگر طالبان دیروز نیستند و با دیگران قصد تقسیم قدرت سیاسی دارند. این به دان معنا است که قدرت را باید طی معامله تصاحب کنند، تا بعد در تقسیم انحصار گرا نباشند.

به این ترتیب اعتراضات عده به شمول حکومت موجود افغانی در کابل وارد است که مذاکرات صلح با طالب، که اصلاً نهادینه شدن ساختارهای موجه قانونی منبعث از اراده ملت در مذاکرات سیاسی مطرح نیست و مذاکرات سیاسی به یک نوع معامله در غیاب ملت با برآورده شدن مطالبات پاکستان، طالب و امریکا استقامت دارد. این حالت سخت تأسف بار، رسیدن به صلح نیست و در بهترین حالت نفس گیری و توقف برای یک جنگ خانمان سوز و جانکاه دیگر

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

است. به این ترتیب درین نوع مذاکرات نه تنها که مشکل ملت ما و انر صلح را حل نمیکند بلکه سبب تراژیدی بزرگترین شده، منافع و مصالح ملت افغان و خواهشات ملت را برای رسیدن به یک صلح و استقرار به فناء برده و ضیاع وقت است.

این نوع مذاکرات چاره کننده معضل ما نیست. این حالت تیوری توافق امریکا، طالب، پاکستان را تقویت بخشیده و تصادفی نیست که عمران خان این پیداور ارمی پاکستان به صورت روشن از حکومت موقت برای افغانستان سخن میزند و به این ترتیب تکلیف و سرنوشت ملت افغان را به دشمنش یعنی پاکستان میسپارد و رقم میزند. از مواضع و اظهارات طالب، عمران خان و این مصاحبه به این نتیجه میرسیم که با امریکا از انتقال قدرت سیاسی، نوع حکومت موقت و آن هم قبل از انتخابات صحبت و توافق مقدماتی طالب و پاکستان صورت گرفته.

بلی این موضع امریکا موضع ای اس ای و ارمی پاکستان و خیانت به منافع افغان و افغانستان است! بلی چنانچه گفته آمدیم درین مصاحبه صحبت براین هم است که با طالب ارزش ها متفاوت اند و در مورد نوع و ساختار حکومتی صحبت نه شده، در حالیکه به گفته جناب خلیل زاد تمایل طرف طالب به این مسئله بود.

این تأکید که خواهش جانب طالب باشد و اینکه طالب خواهان روشن شدن طریق حاکمیت آینده را بخواهد یک برداشت خطا است. طالب یک حاکمیت نوع فهم اسلامی و نوع فهم افغانی خویش را میخواهد و تمایل به انتخاب عام ملت ندارد و بعد از به قدرت رسیدن در معامله به امریکا به یک نشست شورای از علماء ادامه حاکمیت و امارت اسلامی را قایم کردن میخواهد. اگر این برداشت غلط است بر امریکا است که یک جانب مهم قضیه بعد از ملت و حاکمیت افغان و بعد از سیاسیون افغان، باید و باید این کلیه را با طالب اولاً و یا متوازی با مسئله سکیجول خارج شدن قوای نظامی خویش از افغانستان روشن سازد. میدانیم مسئله و بحث بر سر خارج شدن از افغانستان نیست و امریکا حضور خویش را به نحوی دیگری با مصارف مادی و معنوی کمتر در افغانستان تأمین و تضمین میکند.

علت اینکه طالب اول سکیجول خروج عساکر امریکا و خارجی میخواهد و بعد بین خود افغانها گپ زدن و درین میان با نظام براندازی و انحلال قوای نظامی افغان (اصلاح نیروهای امنیتی افغان؟!) تکرار سالهای نود اردوی افغان و کباری کردن آنرا میخواهند و به این ترتیب نفی ارزشهای موجود و زمینه سازی به تحقق افکار خود و امارت و خدمت استراتژییک به دشمن دیرینه افغان و افغانستان یعنی خدمت استراتژییک به پاکستان میخواهند! جانب امریکایی در مذاکره مکلف است تا قاعده کلی که طریق مشروعیت نسخه های احزاب و سازمانها و طالب، چیست؟

این راباید با طالب روشن و به ملت افغان جواب بگوید. اینکه این حق و این مسئله مربوط به صلاحیت حکومت و سیاسیون افغان است، به نحوی منطق و توجیه خود را دارد ولی جانب امریکایی به افغانستان تعهدات و قراردادهای دارد و درین چوکات مکلفیت های قرار دادی امریکا به افغانستان است که جانب امریکایی به شناخت موضع طالب در زمینه و در صورت هم در مورد برنامه های نظام برانداز طالب در مورد این مسایل به صورت روشن جواب ارایه کند!

برداشت تأسف بار اعتقاد جانب امریکایی به غلط بودن قاموس ها و دیکشنری های علوم سیاسی است! این قاموسهای سیاسی میگویند که در سیاست اصل منافع و مصالح اند. پاکستان در افغانستان عمق استراتژییک تعریف شده خود را دارد. آب، باد، باران، برک، هوا، سرک و نیروی انسانی ارزان و رایگان میخواهد. پاکستان حکومت و مردم مستقل افغانها و پشتونها را داشته باشد، به این ترتیب پاکستان دست از سر افغانستان بر نمی دارد و طالب وسیله خوب تحقق اهداف استراتژییک و وسیله جزیه گیر از جهان، در رأس امریکا است!

امریکا و جهان و سیاسیون افغان که تا حال نه فهمیده اند، باید بدانند که تازمانیکه موجود غیر مشروع سرطانی به نام پاکستان از بنیاد حل نه شود نه جهان و نه افغانستان آرام خواهد ماند!

استابلشمنت پاکستان به غیر ازین هم به دامن کشور چین افتاده و با تکمیل شهراه و راه تجارتي همه جانبه کاشغر _ گوادر پروسه چینایزه شده پاکستان و در دامن چین افتادن آن صرف سوال وقت است. امریکا و جهان این حالت را میتواند تغیر دهد.

بر امریکا و جهان است تا پشتون تحفظ موومنن، بلوچان و سایر مردم این منطقه به شمول سرایکی ها و سندهی ها را حق تعیین سرنوشت قایل شود و بدهد و به ایشان کمک کنند تا به حقوق حقه نود برسند و این موجود غیر مشروع سرطانی و غیر طبیعی بنام پاکستان را ملغی اعلان کنند. این ممکن و حتی در حال تحقق است و مردم پشتون و بلوچ در همین استقامت در حرکت اند! همکاری و یا حد اقل عدم ممانعت امریکا با عدم کمک های مالی به استابلشمنت پاکستان این پروسه را تسریع خواهد بخشید!

فاعتبروا یا اوللا بصر